

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۴) بهار ۸۴

شوهر آهو خانم و مکتبهای ادبی* (علمی - پژوهشی)

دکتر اسدالله واحد

استادیار دانشگاه تبریز

چکیده

شوهر آهو خانم، بلندترین رمان فارسی واثر پرآوازه علی محمد افغانی است. وجود نشانه ها و ویژگی های گوناگون مکتبهای ادبی اروپایی و افزونی برخی از آنها، نشانگر تأثر احتمالی نویسنده از اصول و جنبه های مختلف آن مکتبهاست. کثرت نشانه ها و جنبه های رئالیستی در این رمان بلند، گویای آن است که سبک و شیوه غالب نویسنده در پرداخت عناصر داستان، رئالیستی است. موفقیت نویسنده در انطباق داستان، ماجراها و شخصیتها با اصول مکتب رئالیسم، در جای جای رمان مشهود است. نویسنده با ساختن شخصیتها و بیان نسبتاً دقیق واقعیات اجتماعی، آینه تمام نمایی را فرا روی خواننده می نهد تا بدان وسیله به معضلات جامعه خویش بنگرد. با وجود فراوانی عناصر رئالیستی، برخی از جنبه های دیگر مکتبها بویژه جنبه های رمانتیک در این رمان بلند، با آن عناصر در کشاکش است؛ از جمله: فلسفه بافی بعضی از شخصیتها، وصفهای مبالغه آمیز رمانتیک، پرداختن به تخیلات، اندیشه های ایدآلیستی و... که این رمان بلند را از وجه غالب پرداخت رئالیستی آن دور می کند.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۳/۷/۲۵

*تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۱۱/۱۲

واژگان کلیدی: رمان، رمانتیسیم، مکتبهای ادبی، شخصیت، جبر اجتماعی،

واقعیت، تأثیر

۱- مقدمه

انقلاب صنعتی اروپا و به تبع آن، تحوّل عظیم در لایه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و ادبی آن سامان بعد از چند دهه بتدریج تأثیر شگرفی در ادبیات و فرهنگ ملل شرقی نهاد. رواج و پیشرفت صنعت چاپ در ایران، تحصیل محصلان ایرانی در ممالک اروپایی، ایجاد مدارس جدید و رواج

ترجمه آثار ادبی اروپایی به زبان فارسی در مراحل آغازین تجدد، از نشانه های تحوّل در فرهنگ و ادب ایران زمین به حساب می آیند. تحقیق و پژوهش در تحوّل و تأثر ادبیات ایرانی از فرهنگ و ادب اروپایی، امری بسیار ضروری است. یکی از وجوه شایان نظر و تأمل در این باره، جستار در ادبیات داستانی از دیدگاههای گوناگون است. بدون تردید، تحقق این امر، یاریگر علاقه مندان در باز شناخت هویت فرهنگ و ادب ایرانی خواهد بود.

یکی از موضوعات شایان پژوهش، بررسی داستانها و رمانهای معاصر از دیدگاه اصول مکتبهای ادبی جهان است. بر این اساس که نویسندگان تا چه اندازه تحت تأثیر مکتبهای ادبی جهان قرار گرفته و از کدام یک بیشتر متأثر شده اند و اصول کدام مکتب در آثارشان بکار گرفته شده است و بالاخره آنان را به کدامین مکتب می توان منتسب کرد. نگارنده، رمان شهر آهو خانم نوشته علی محمد افغانی^۱ را از دیدگاه یاد شده مورد بررسی قرار داده و در این مقاله سعی نموده است تا رد پای مکتبهای ادبی اروپایی؛ بخصوص رمانتیسیم و رئالیسم را در این رمان باز نماید.

شایان ذکر است که شهر آهو خانم، نخستین و بلندترین رمان علی محمد افغانی است. نثر و شیوه نویسندگی او در این اثر، یکدست نیست. از یک سو تعبيرات

کهن، از سوی دیگر لغات، تعبیرات و کنایات عامیانه در نثر او نمودار است. اغلب، زبان قهرمانان با شخصیت آنها سازگار نیست. قهرمانان او سخنان فاضلانه ای بر زبان می آورند و از شیوه عامیانه خود دور می شوند و سرانجام بیان شاعرانه بر آنها چیره می شود. کلام افغانی بیشتر مطب و توأم با تفسیر و توضیح است. گویی به آن شیوه معتاد است. وجود ضرب المثلها از نکات برجسته ادبی شوهر آهوخانم است. این کتاب، گنجینه ناشناخته ای برای ضرب المثلهای بکر و تازه ایرانی بشمار می رود.^۲ این رمان از نظر شکل و محتوا، تلفیقی از شیوه های داستان نویسی سده نوزدهم میلادی اروپایی با شکل سنتی داستانهای بلند ایرانی است. از نظر شخصیت پردازی و قالب، به داستانها و رمانهای غربی شبیه است و از جهت کلی بافی و خارج بودن از چهارچوب داستان رئالیستی، به شیوه داستان پردازی ایرانی نزدیک می شود. نویسنده رمان در دیگر آثار خود، همچون شوهر آهوخانم موفق نیست؛ ولی او خود را در تمام آثار، موفق می داند.^۳ شاید دلیل توفیق او در آمیختن واقع گرایی با رمانتیسیم و پدید آوردن جذابیهایی است که به لحاظ عاطفی با فرهنگ ایرانی همداستان است. بنا به گفته صاحب نظران^۴، قدرت نویسندگی افغانی از نظر سبک و زبان و ساختار فنی رمان، شرایط لازم را دارا نیست.

۲- بحث

مکتبهای رمانتیسیم و رئالیسم و شوهر آهوخانم

رمانتیسیم

رمانتیسیم، کوششی است برای فرار از واقعیت و افزودن غرابت به زیبایی و شیوه جادویی نوشتن.^۵ این مکتب از اواسط قرن هجدهم میلادی پا به پای انقلاب صنعتی اروپا، نخست در فرانسه سپس در آلمان و انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی پدید آمد و تا اواخر قرن نوزدهم، جهان اندیشه و هنر و ادب را جولانگاه

خود ساخت. هنرمندان رمانتیسیم، قواعد کهن را یکسره درهم شکستند و به جای عقل و منطق، بنیان هنر خود را بر احساس، تصوّر، تخیل و عشق استوار ساختند. از پیشروان نامدار این مکتب؛ روسو، ویکتور هوگو و لامارتین را می توان نام برد.

عناصر رمانتیک در شوهر آهو خانم:

جای تردید نیست که اغلب آثار افغانی بر عواطف و احساسات بنا شده است و طبیعتاً این رمان نیز نمی تواند از جلوه های رمانتیک خالی باشد. ذیلاً به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

۱- در لابلای ماجراها و حوادث داستان، علاوه بر شخصیتها- که تفاوت های بارزی باهم دارند- در میان گفتگوهای قهرمانان، وجود شخصیت دیگری نیز احساس می شود. شخصیتی که خود حضور فیزیکی ندارد؛ ولی عواطف، احساسات و فضل خود را در بیان حوادث و گاه از طریق گفتگوهای قهرمانان داستان نشان می دهد و در یک کلام *فرمانروایی من* را اعلام می کند. این شخصیت، کسی نیست جز خود نویسنده. می بینیم که آدمهای معمولی و شخصیت های ساده، سخنان فاضلانسه ای می زنند که با توجه به موقعیت و روحیه آنان، هیچ کس نمی تواند از زبان ایشان بپذیرد.^۶ برای مثال، از هما و سید میران سرابی انتظار نمی رود که کلام خود را به اسطوره های یونانی و رومی و ایرانی و مسائل تاریخی و هنری بیاریند.^۷ هما زنی درس نخوانده و بیسواد است؛ گاهی با فضل نمایی و فلسفه بافی، سخنرانی می کند؛ برای کسب لذت از فلسفه خیّامی سخن می گوید.^۸ بدین ترتیب نویسنده، این شیوه را بعنوان وسیله تبلیغ فضلها، احساسات، اندیشه ها و آرمان های قلبی خود قرار می دهد. برای نویسنده، این سخنان نه تنها از زبان قهرمانانش بعید نیست، بلکه فراخور و شایسته آنان است. چرا که خود را با قهرمانانش متحد ساخته، احساس یگانگی می کند و گویی این، وجه غالب شیوه اوست.

۲- یاد شکوه و عظمت گذشته و سفر به سرزمینهای دور، ایام پرشکوه گذشته، از دیگر جلوه های رمانتیک شوهر آهو خانم است. در دوره ای که هرج و مرج اجتماعی، ناهماهنگی اقتصادی، آشفته گی روح و غم و اندوه روزگار بر همه چیز سایه گسترده باشد، سفر به روزگاران گذشته و یاد ایام پرشکوه و با عظمت پیشین، بهترین مرهم برای تسکین آلام انسان است. «خاطرات دوران گذشته زندگی انسان مانند آهنگها و سرودهای کهن همیشه شیرینتر از امیدهای آینده بوده است، زیرا انسان در گذشته تصویر خود را می بیند و در آینده شبیح مرگ و نیستی را.»^۹ برای نمونه به چند مورد از این جلوه ها اشاره می کنیم: وقتی سیدمیران در باغ گردش می کند؛ خاطرات بیست سال پیش - که در آن باغ، درخت نشانده بود - از برابر دیدگانش رژه می روند.^{۱۰} همچنین وقتی او مصمم می شود که همراه با خانواده به ده برود؛ مقصودش از این کار، پیوند دادن آرزوها و رؤیاهای حسرت بار با دوران باشکوه از دست رفته جوانی است. «هما به این امر که برگشتی بود به اصل، نه تنها راضی که از ته دل خوشحال بود، خاطره شبهای مهتابی، دوشیدن شیر از گوسفندان یا رقص چوبی دور شعله آتش در زوایای روح زنانه اش انگشتان ظریفی بود که با سیمهای چنگ بازی می کرد.»^{۱۱}

۳- یکی دیگر از ویژگیهای شخصیتهای شوهر آهو خانم، تخیلات خوشبختی و هیجان و سپردن ذهن به رؤیاهای بی پایان تسکین ناپذیر است که از دیگر جلوه های رمانتیک این داستان محسوب می گردد. برای مثال سیدمیران وعده بنای خانه جداگانه ای برای هما می دهد و می گوید: «یک خانه خنج دنج و موافق دلخواه تو با حیاط عالی و حوضخانه خوب تحویل بدهم ... تالاری خواهم ساخت که از دیوارهای الحان موسیقی شنیده شود، آه ای جوانی ازدست رفته، حیف که دیگر بر نمی گردی.»^{۱۲}

۴ - بی خانمانی، آزادی، عشق، بی قیدی و رقاصی هما؛ محبت مادری، روح مایوس، غم و اندوه و سرگشتگیهای آهو، حسرت، آرزومندی و عشق پیرانه سر سیدمیران، از دیگر جنبه های رمانتیک این رمان بلند است.

۵ - وصفهای رمانتیک. علی محمد افغانی در شوهر آهو خانم در کنار وصفهای رئالیستی - که در پی خواهد آمد - از وصفهای پر آب و تاب و اغراق آمیز رمانتیک غافل نبوده است. گفتنی است که این گونه وصفها نماینده قدرت نویسنده و نشانه روح حساس اوست. یکی از وصفهای رمانتیک دلنشین افغانی در این داستان، وصف زندگی آرام خانواده سیدمیران سرابی پیش از ورود هما به حریم خانواده آنهاست. ذیلاً به نقل آن می پردازیم: « زندگی آرام و بی دغدغه آنها که بر گلهای مخملی سعادت آراسته شده بود، کشتی سبکباری بود که بنرمی سینه امواج زمان را می شکافت و خوش خوش پیش می رفت. آهو در عرشه کشتی ملکه وار می خرامید؛ با روحی لبریز از شادی، زلفهارا به دست نسیم داده بود؛ با چشمی نیم بسته از تابش پرتوهای درخشان در منظره طلایی افق، آینده روشن و امیدبخش خود و فرزندان و شوهر عزیزش را می دید. »^{۱۳}

وصف بارداری آهو (ص ۶۰)، وصف رقص هما (ص ۱۲۴)، وصف خانه حسین خان مطرب (ص ۶۹)، وصف آبتنی هما (ص ۶۲۰) از دیگر وصفهای رمانتیک رمان مذکور است.

۶ - گاهی نویسنده رمان، جهان را آن چنان که خود می خواهد و آن چنان که باید باشد، تصویر می کند. منشأ این امر، اندیشه های آرمان جویی نویسنده است.^{۱۴} چنین تصویرهایی از جهان از دیگر جلوه های رمانتیک شوهر آهو خانم است. افغانی می نویسد: « در لاوک آفرینش گل آدمی چنان سرشته شده است که در مقابل جلوه ها و مظاهر زیبای هستی، احساسات و انعکاسات خوشایندی از خود

نشان بدهد، این جلوه، چیزی نیست جز شکلی از خود زندگی نه آنچنانکه هست، بل آنچنانکه می باید باشد ... طبیعت از نمونه های ساخته شده اش به دست زندگی آینه می دهد تا چهره خود را آنچنانکه باید باشد، در آن ببیند.^{۱۵}

۷- بی قیدی غیر مسئولانه و گذشته و آینده را در حال خلاصه کردن و ترجیح سعادت حال از جنبه های رمانتیک قهرمانان این رمان است. از آن جمله است: «برای من گذشته پوچ و آینده بی معنی است؛ ... هر چه هست حال است. تا تو با من و من با تو هستی و هستم جز این عقیده ام نیست ... و باید غم فردا را نخورد.»^{۱۶}

رنالیسم

رنالیسم، یعنی نمایاندن زندگی آن چنان که هست.^{۱۷} رنالیسم بیان واقعی زندگی و واقعیت است. در قرن نوزدهم با قیام بالزاک و استاندال و نویسندگان دیگر نظیر فلوپر و تولستوی، مکتب رمانتیک رخت بربست و رنالیسم به مهمترین جریان ادبی قرن نوزدهم بدل شد. رنالیسم، مبنای داستان را بر قوانین طبیعت و اجتماع پایه می گذارد. ریشه سرنوشت انسان را در شرایط محیطی و ویژگیهای فردی می جوید. اجتماع را بصورت موجود زنده ای می نگرد. به مطالعه بعد اجتماعی و تاریخی انسان می پردازد.

جلوه های رنالیستی در شوهر آهو خانم

۱- شخصیت های رنالیستی: علی محمد افغانی، قهرمانان داستان را از جامعه ای که در آن زندگی می کرده، انتخاب کرده است. مردم عادی، شخصیت های داستان او را تشکیل می دهند. شخصیت هایی چون سیدمیران سرابی، آهو، هما، عبدل (شاگرد دکان نانوائی)، حاجی بنا، خواهر حاجی بنا، همسایه های سیدمیران از جمله خورشیدخانم، زری، گل محمد، صفیه، بانو و .. همین آدمهای معمولی

هستند که با آداب و رسوم، باورها و اعتقاداتشان زندگی می کنند. همین انتخاب شخصیتها از میان افراد جامعه، از اصول مهم در شخصیت سازی رئالیستی است. هر یک از قهرمانان داستان، نماینده تمام خصوصیات طبقه اوساط الناس و طبقه پایین جامعه است؛ شخصیت قهرمانان، محصول حوادث واقعی و واکنش آنان در برابر رویدادهاست. شخصیتهای داستان، مظهر و نماد حقایقی هستند که موقعیت انسان را در یک برهه معین از تاریخ آشکار می سازند.

۲- افغانی در رمان بلند خود با الهام از تاریخ معاصر ایران، به تحلیل حوادث و رویدادهایی که در شهرهای سرزمین خود- بخصوص کرمانشاه - روی می دهد؛ می پردازد. او تاریخ معاصر ایران را زمینه ای برای آگاهی دقیق تلقی می کند و گذشته بسیار نزدیک جامعه ای را که خود در آن زندگی کرده و متعلق به آن بوده است؛ روشن می سازد و خواه ناخواه در اثر خود به بیان و تحلیل تمام رویدادهای تاریخی عصر خویش می پردازد؛ بگونه ای که می توان زندگی اجتماعی آن روزگار را در شهر کرمانشاه، از این داستان دریافت. به این ترتیب، الهام از تاریخ و بازنمودن زوایای تاریخ معاصر، از جنبه های قابل توجه رمان شوهر آهو خانم است.

۳- بیان شیوه زندگی طبقات مختلف در کنار همدیگر، از دیگر جلوه های رمان مذکور است. افغانی زندگی طبقه نسبتاً مرفه را پیوسته با زندگی طبقات پایین در کنار هم مطرح می سازد. خانواده سیدمیران، زندگی مرفهی دارند در حالی که در خانه بزرگ آنها، مستأجرانی زندگی می کنند که از نظر مالی پایین تر از خانواده سیدمیران هستند. مبنای داستان، زندگی خانواده سید میران است ولی نویسنده از بیان محرومیتها، رنجها و دردهای همسایگان فقیر، خودداری نکرده است.^{۱۸}

۴ - ذکر واقعیات جامعه ، از ویژگیهای بارز رمان شوهر آهو خانم است. علی محمد افغانی از طرح درست واقعیات، چشم نبوشیده و در کنار هدایت جریان داستان، به بهانه های مختلف ، پیوسته به ذکر واقعیات موجود جامعه خود می پردازد ؛ از جمله: مسأله کشف حجاب و عواقب شوم آن (ص ۳۹۳ به بعد)، گرانی نان و آشفته گی و نابسامانی نانوائان (ص ۱۳ و ۷۰۲) ، وضع نابسامان دارو ، درمان و بهداشت (ص ۳۰۱ و ۳۶۹)، فساد اداری و آشفته گی و وضع ناگوار ادارات (ص ۵۶۳)، اعتقادات دینی و مذهبی و باورهای عامیانه (ص ۳۶۹، ۲۸۳، ۷۳، ۴۸) ، خلق و خوی مردم (ص ۹۸ و ۳۵۴).

۵ - از دیگر جنبه های رمان یاد شده، تأثیرات و تأثرات متقابل میان حوادث دنیای خارج و احساسات شخصیت های داستان است. افغانی در این رمان، جامعه ای را به تصویر کشیده است که رویدادهای روزانه آن در افراد جامعه تأثیر می گذارد. افراد جامعه نیز در به وجود آمدن رویدادها و حوادث سهیمند. به دیگر سخن، واکنشها در برابر حوادث و رویدادها، به بروز حوادث دیگر منجر می شوند؛ در نتیجه رفتارهای نیک و بد قهرمانان داستان نتیجه تأثیر و تأثر متقابل حوادث و احساسات است. نویسنده ، معتقد است^۹ که زندگی اجتماعی بر اساس ارتباط، استوار شده است و آن چه به انسان جنبه اجتماعی می دهد؛ روابط او با دیگر افراد جامعه خویش است. بنا براین مشکلاتی که انسان با آنها گریبانگیر است؛ از روابط اجتماعی سرچشمه می گیرد. برای نمونه، دقت در شخصیت سیدمیران در این رمان ، مسأله را بیشتر روشن می کند: سیدمیران که معتقد به احکام دینی و اعتقادی بود؛ تحت تأثیر جامعه قرار می گیرد. به زنش هما اجازه می دهد که بدون حجاب به هر جا برود. بالاتر از این، حریمهای شرع را می شکند و شراب می نوشد و با

هما هشیار از خانه بیرون می رود و مست بازمی گردد. او تحت تأثیر حوادث و احساسات، عنان اختیار را از دست می دهد و اختیار خود را به دست هما می سپارد.^{۲۰}

۶ - نحوه بیان اندیشه ها، رنجها، غمها و محرومیتها، از موارد دیگری است که جنبه رئالیستی این رمان را تقویت می کند. در جای جای این رمان، از رنجهای سیدمیران و آهو سخن به میان می آید. سراسر رمان، آکنده از بیان رنجها، مرارتها و خواریهایی است که آهو متحمل شده است. نویسنده، علاوه بر ذکر دردهای قهرمانان اصلی، خواننده خود را با زندگی و دردها و رنجهای دهها تن از کرایه نشینان و کارگران آشنا می سازد. غم تهیه نان، تلف شدن مردم از قحطی نان بر اثر جنگ جهانی، اندیشه تهیه سوخت زمستان و غم نداری و فقر برای آنان اندوهی طاقت فرساست.^{۲۱}

۷ - از دیگر جلوه های رئالیستی شوهر آهو خانم، وصفهای رئالیستی است. نویسنده اغلب وصفهای خود را در خدمت پروراندن شخصیتهای داستان و شناساندن جنبه های مختلف قهرمانان داستانش قرار می دهد. گاه پا فراتر می نهد، در وصف صحنه ها به جزئیات و ریزه کاریها نیز می پردازد. او حرکات مرد و زن؛ کودک و نوجوان را به خوبی می بیند. از اختلاف آسیابان و نانوا تا مشاجره دو هوو و کتک کاری زن و شوهر، همه را چنان وصف می کند که گویی خواننده، صحنه واقعی را پیش چشم خود می بیند. به این وسیله او می خواهد واقعیات را هرچه روشن تر نشان دهد. بدون شک نویسنده، همه تسلط و احاطه خود را مدیون مشاهدات و تجربیات خویش است. برای مثال یکی از وصفهای رئالیستی رمان مذکور را - که وصف سیدمیران است - ذیلاً نقل می کنیم: «پشت ترازو که یک جعبه دخل هم در کنارش بود؛ مرد میانه بالا و سیاه چرده ای دیده می شد که پالتو خاکستری رنگ از جنس برک خراسان به تن داشت. پیشانی بلند و هموار

ابروهایش پرپشت و چشمهایش گیرنده و نافذ بود. در چهره اندکی لاغر و کشیده اش، با خطوط عمیقی که داشت، زیرکی نیرومندی خوانده می شد که قبل از آنکه خشک و کاسبکارانه باشد، مردانه و مهربان بود. موهای سفید صورت و سرش تا آنجا که از زیر کلاه تازه باب شده شاپو نمایان بود؛ برسیاه می چربید. دگمه های پالتوش با بی قیدی لوطی واری باز بود و از زیر آن، کت و شلوار قهوه ای راه راه، جلیقه و حتی بند ساعت جیبی اش به چشم می خورد. این مرد، میران یا بهتر بگوییم چنانکه از تابلوی دکانش خوانده می شد؛ سیدمیران سرابی صاحب نانوايي حاضر بود.^{۲۲} «خواننده پس از خواندن این وصفها، به جنبه های باطنی و ظاهری شخصیتها پی می برد و در تعقیب داستان، رفتارهای شایان شخصیت آنها را انتظار دارد.

بدون شک، مکتب رئالیسم با مکتب ناتورالیسم ارتباط تنگاتنگی دارد به این خاطر ضمن تعریف اجمالی این مکتب به جستجوی عناصر ناتورالیستی - که رمان مذکور از آنها بری نیست - می پردازیم:

ناتورالیسم، مکتبی است که هنرمند در آن به تقلید از طبیعت توجه دارد و معتقد است که طبیعت را باید چنان که هست توصیف و تقلید کرد. این سبک، چهارچوب محدودتری نسبت به رئالیسم دارد و پیشروان آن می کوشیدند روش تجربی را در گستره ادبیات رواج دهند و مانند مسائل ریاضی برای آن، پایه و اساس علمی و معیار و محک منطقی قائل شوند و در آثار خود، انسان را محکوم آیین طبیعت و جبر علمی نشان دهند؛ نه آزاد بااراده. پیروان این مکتب و پیشروان آن، پایبند مسائل و مقررات مذهبی نبودند و به وراثت و همخوانی توجهی خاص داشتند. افکار بیهوده و بی سروته و امیال و غرایز حیوانی را بی پرده تصویق می کردند و گفتار قهرمانان را به زبان محاوره می آوردند. بزرگترین نماینده

ناتورالیسم، امیل زولا است. گفتنی است که اغلب محققان، دو اصطلاح رئالیسم و ناتورالیسم را مترادف بکار برده اند؛ حتی گفته اند: «رئالیسم و ناتورالیسم یک چیزند»^{۲۳} باید گفت ناتورالیسم با رئالیسم تفاوت دارد؛ اما مستقل از آن نیست. ناتورالیستها عناصر مهم تازه ای به رئالیسم افزودند که آن را از رئالیسم جدا می کرد.

حال موارد منطبق با اصول مکتب ناتورالیسم را از شهر آهو خانم نقل می کنیم:

۱ - علی محمد افغانی در داستان بلند خود گاه از تسلیم شخصیت‌های داستان در برابر غرایز سخن می گوید و آنان را پیرو غرایز حیوانی و امور جسمی و جنسی خود معرفی می کند. برجسته ترین نمونه، خود سیدمیران است که در برابر نفس و غرایز حیوانی و امور جنسی تسلیم می شود و عنان اختیار را از دست می دهد.^{۲۴}

۲ - افغانی گاه قهرمانانش را تابع جبر علمی و اجتماعی می داند و بگونه ای تصویر می کند که گویی از خود هیچ اراده و اختیاری ندارند. قهرمانان او در گرداب حوادثی که جبر طبیعت و اجتماع باعث بروز آنهاست؛ سخت گرفتارند و از خود هیچ اختیاری جز تسلیم ندارند. هما در اعتراض به سیدمیران از جبر طبیعی و اجتماعی می نالد و می گوید: «من چه گناهی کرده ام که اجازه ام، اختیارم، سرنوشتم در دست تو باشد؟»^{۲۵} و سیدمیران در جواب می گوید: «زن موجود کامل نیست باید مطیع اوامر مرد و وسیله تمتع او باشد. مرد خدای کوچک زن است.»^{۲۶}

۳ - افغانی در جای دیگر در باره بدبختی و فلک زدگی و تسلیم آهو در برابر جبر روزگار می نویسد: «همچنانکه وقتی شیشه ای می شکند؛ برای تسلیت خاطر می گویم رزق شیشه گر است باید بشکند. اینجا نیز از بیچارگی آهو باید بگویم رزق غم است باید برسد. زیرا قدرت این زن در آن بود که در مقابل عمل انجام شده شهر قرار بگیرد و آنگاه بنشیند و با بخت نامساعد خود دست به گریبان

باشد. طینت او و شوهر و وضع قوانین و اخلاق اجتماع هر سه دست به دست هم داده بود تا زنی رنج بکشد و مادام العمر به کشیدن این بار طاقت فرسا محکوم شود.^{۲۷}»

صفحات ۲۷۰، ۳۰۰، ۴۱۷، ۴۳۹، ۴۸۰ کتاب شوهر آهو خانم نمونه های دیگری از این قبیل است.

۴ - توجه به زبان محاوره، ازدیگر جنبه های مکتب ناتورالیسم است. علی محمد افغانی گاه سعی می کند که در نقل گفتار هر یک از قهرمانانش، همان جمله ها و عبارتهایی را بیاورد که طبعاً باید به زبان آورد، اگرچه آن عبارتها و کلمه ها زشت، ناپسند و ناهنجار باشند. مثلاً وقتی سیدمیران به طرفداری از هما با آهو مشاجره می کند، به او فحش و ناسزا می گوید و آهو نیز مقابله به مثل می کند.^{۲۸} تمام این مشاجره به زبان عامیانه نوشته شده است.

سایر مکتبهای ادبی و رمان شوهر آهو خانم

در رمان شوهر آهو خانم، علاوه بر عناصر رئالیستی، ناتورالیستی و رمانتیک - که در پیش یاد شد - نشانه هایی از عناصر سایر مکتبهای ادبی اروپایی نیز به چشم می خورد؛ از جمله عناصر سمبولیستی و سوررئالیستی که ذیلاً به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

- سمبولیسم، شیوه ای است که غالباً با استفاده از تصاویر عینی و ملموس، عواطف و افکار را بیان می کند. عبارت است از هنر بیان اندیشه ها از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادها بدون توضیح برای ایجاد آن اندیشه ها در ذهن خواننده.^{۲۹}

گاه در شوهر آهو خانم به مسائلی برمی خوریم که بی ارتباط با اصول مکتب سمبولیسم نیست. از جمله بیان حالت ماتمزای روزگار که مایه یأس و نگرانی

انسان است؛ القای احساسات قهرمانان و خود به دیگران و از همه مهم تر، برداشتهای سمبولیک از پدیده ها. البته نمی توان با اطمینان کامل گفت که موارد یاد شده، مطابق با اصول سمبولیسم است. نمونه هایی از این قییل را نقل می کنیم:

۱- افغانی در بیان عشق پیری و هوس جوانی سیدمیران، پای چراغ نیم مرده ای را به میان می کشد و می گوید: «شعله اش آنقدر کم سو بود که به زور خود را نشان می داد. می کوشید خود را اندکی بالا بکشد و نمی توانست ... با خود اندیشید: ... آتش جوانی و سوداها و هوسها در وجودم خاکستر گردیده است ... مثل آن شعله، به زور خودم را بالا می کشم.»^{۳۰}

۲- در جای دیگر در بیان بی سروسامانی و آشفتگی و بی نظمی خانواده سیدمیران، بعد از آمدن هما به خانواده او، ساعت خوابیده را سمبل بی نظمی می گیرد. پیش از آمدن هما، سیدمیران، خانواده آرام و مرتبی داشت و ساعت به عنوان عضوی از اعضای آن خانواده وظیفه ای داشت و نماد نظم و ترتیب در زندگی آن خانواده بود. بعد از آمدن هما، چون شیرازه زندگی سیدمیران از هم می پاشد؛ دیگر توجهی به ساعت و کوک آن نمی شود و از کار می افتد. افغانی ساعت از کار افتاده را سمبل از هم پاشیدگی و بی نظمی خانواده سیدمیران می داند.^{۳۱}

۳- افغانی در جایی دیگر هنرمندانه عشق رؤیایی و کم بقای سیدمیران و هما را با برداشت رمزی از وضعیّت قرار گرفتن دو ماهی نر و ماده در آبخوری بلورین در حالی که پرتو بسیار کوچکی از آفتاب غروب، به آبخوری افتاده است؛ بیان می کند. ماهیهای نر و ماده نماد سیدمیران و هما هستند؛ نور کم بقای غروب، سوسوی آتش عشق پیرانه سر سیدمیران است که بزودی زایل می شود و از بین می رود.^{۳۲}

- سوررئالیسم در سال ۱۹۲۲ میلادی در فرانسه پدید آمد. این مکتب می کوشد جبر منطقی و قانون علیّت را ویران کند؛ سدها را بشکند؛ بندها را بگسلد و به سخن دیگر در برابر همه عصیان کند و بر ویرانه های منطق و اخلاق و تمدن و هنر، کاخی از رؤیا و احلام و اوهام برپاسازد. این مکتب، بیان تفکر دور از فرمان عقل است و رابطه ای با قوانین زیباشناسی و اصول اخلاقی ندارد. مکتب سوررئالیسم، زبان قرن بیستم است و نابسامانیها و آشفتگیهای زمان را بازگو می کند. مهمترین اصول این مکتب، هزل، رؤیا و دیوانگی است. برخی از قسمتهای رمان بلند شوهرآهوخانم، می تواند با اصول و چهارچوب مکتب سوررئالیسم موافق باشد؛ از جمله:

۱ - گاه از زبان قهرمانان رمان، افکار و اندیشه های نویسنده آشکار می شود. فلسفه بافی، اشاره به پوچی و بی اعتباری و ناچیزی دنیا از طرف قهرمانان و اصل دنیا را بر اساس یک هوس پوچ دانستن^{۳۳} همه و همه، بوی اندیشه های پوچ گرایی می دهد که از آرا و اندیشه های پیروان مکتب سوررئالیسم است.

۲ - ستیز با معیارهای اخلاقی و ارزشهای مذهبی، از دیگر موارد قابل ذکر است. گاه نویسنده نه بصورت آشکار بلکه با کنایه ها و اشاره ها، با معیارها و ارزشهای دینی خصومت می ورزد. برای مثال چادر و حجاب را زندان و قلعه می شمارد و با کنایه حجاب را مسخره می کند و معیارهای اخلاقی را زیر پا می نهد^{۳۴}.

۳ - گاه قهرمانان رمان، صورتهای ذهنی خود را همان گونه که در حالت رؤیا اتفاق افتاده و دیده اند؛ بدون نظم و ترتیب منطقی بیان می کنند و واقعیتهای عینی را نماینده صورذهنی خود می پندارند. وقتی سیدمیران در کنار دو زن خود مشغول راز و نیاز با آن هاست، خوابی را که چند شب پیش دیده بود؛ بطور پراکنده به یاد می آورد و آن را با واقعیت عینی همان لحظه اش تطبیق می دهد. گویی نتیجه

رؤیایش همان لحظه ای است که در آن است. « آیا تعبیر درست آن خواب اینک حیّ و حاضر درنیامده است؟^{۳۵} »

۳- نتیجه

نگارنده مدّعی نیست که آقای علی محمد افغانی در مواردی که احیاناً مطابق یا مشابه با اصول مکتبهای ادبی جهان است، از آنها متأثر شده است. چون اساس فرهنگ ایرانی دارای ویژگیهای خاصی است که با اصول فرهنگ غربی متفاوت است. جنبه های یادشده، موارد مشابه و گاه مطابق با اصول مکتبهای ادبی جهان است و به این معنی نیست که نویسنده حتماً تحت تأثیر آن اصول بوده است.

با رویکرد به وفور شواهد و جلوه های رئالیستی در رمان شهرآهو خانم، به این نتیجه می‌رسیم که سبک غالب نویسنده در پرداخت داستان، رئالیستی است.

موفقیت نویسنده در انطباق داستان، ماجراها و شخصیتها با مکتب رئالیسم، در جای جای رمان مشهود است. از جمله موفقیتهای او در این زمینه، خلق شخصیتهای رئالیستی است. در شخصیت سازی، نمونه های زنده از الگوهای واقعی اجتماع را به تصویر کشیده است؛ به گونه ای که خواننده تک تک شخصیتها را در کنار خود حس می کند. دیگر بیان دقیق واقعیات اجتماعی است. در واقع، این رمان آینه تمام نمای اجتماع است. « هنر بزرگ وی این است که به همراه آفریدن دهها انسان حقیقی و به جنبش درآوردن صدها حادثه واقعی، از یک دوران خاص اجتماعی پرده برگرفته و سیر واقعی آن را با همه زیر و بمها و سایه روشنهایش، پدیدار کرده است. (و) همچون آینه چهاربعدی عظیمی، خصوصیات برجسته روزگار ما را منعکس ساخته است.^{۳۶} »

افغانی در رمان شهرآهو خانم، جامعه ایرانی را با حوادث آن در نهایت باریک بینی به تصویر می کشد و از توصیف جزئیات روزمره غفلت نمی کند و از این

رهگذر، نیروهای نامجسم اجتماعی و اقتصادی را که در مسیر زندگی افراد حوادث مؤثر اند، مجسم و نمایان می سازد؛ سپس عوامل و انگیزه های رویدادها را با دقت مورد بررسی قرار می دهد و هم خود را صرف نمایاندن تحلیل تضادها و جریانهای عمقی زندگی می سازد. از این دیدگاه، شیوه افغانی شبیه داستان پردازان رئالیسم قرن نوزده، مخصوصاً شبیه شیوه بالزاک^{۳۷} است. با توجه به مسائل یادشده در این نوشتار، می توان افغانی را پیرو مکتب رئالیسم اجتماعی دانست.

شایان ذکر است که در این رمان به مسائلی برمی خوریم که با سبک غالب آن همداستان نیست و پیوسته رمان را دچار آشفتگی می کند و چه بسا سیر داستان را از راه روشن طبیعی خود خارج می سازد. شاید نویسنده در قید و بند آن نبوده است که تمام اصول رئالیستی را رعایت کند و در نهایت چنین شیوه ای را برای خود برگزیده است.

ذیلاً مواردی را که نشانگر ضعف بافت رئالیستی شوهر آهو خانم است؛ به اختصار نقل می کنیم:

۱ - فصل نمایی و فلسفه بافی قهرمانان داستان که با اصول مکتب رئالیسم منافات دارد. صفحات ۳۷۵، ۴۶۳، ۴۷۰ و... شاهد این مدعاست.

۲ - وصفهای مبالغه آمیز رمانتیک، اگرچه به جذابیت رمان افزوده است، با شیوه غالب نویسنده همداستان نیست. در قسمت رمانتیسیم این مقاله، به نمونه هایی از وصفهای اغراق آمیز اشاره کرده ایم.

۳ - گفتگوهای خطابه آمیز و دور و دراز و خسته کننده قهرمانان داستان. صفحه ۴۶۸ نمونه بارزی برای این مورد است.

۴ - لحن و زبان یکنواخت قهرمانان از دیگر موارد از این قبیل است. قهرمانان داستان در زبان و لحن، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند درحالی که شخصیت‌های متفاوتی دارند.

۵ - تطویل . درواقع شوهر آهو خانم در پوسته‌ای از حشو فرو رفته است. این حشوها در سراسر داستان مشهود است و از عیب‌های غیر قابل اغماض نویسنده است. برای نمونه، صفحات ۱۶۹، ۱۷۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۰۹، ۳۱۰، و ... دیده شود.

۶ - ذکر نظرات نویسنده در لابلای ماجراهای داستان، از عیوب دیگر پرداخت رئالیستی است. با توجه به اصول مکتب رئالیسم، نویسنده نباید در اثر خود حضور داشته باشد و نباید نظر شخصی خود را در داستان بنویسد. درحالی که در این رمان، چندین بار نویسنده نظر خود را آورده است و خواننده حضور او را در چندین جای داستان احساس می‌کند. صفحات ۱۶۲، ۵۶۴، ۶۱۵، ۶۵۳ و ۶۶۳ شاهد این مدعاست.

پی‌نوشتها

- ۱ - افغانی، علی محمد: شوهر آهو خانم، انتشارات نگاه، چاپ یازدهم ۱۳۷۴.
- ۲ - بزرگ علوی: درباره شوهر آهو خانم، مجله کاوه، شماره‌های ۸ و ۹ ص ۱۴۰.
- ۳ - رجوع کنید به مجله آدینه شماره‌های ۴۳ و ۴۴ ص ۸۴.
- ۴ - پرهام، سیروس: راهنمای کتاب، شماره دهم، ص ۹۷۲ و عابدینی، حسن: صدسال داستان نویسی در ایران، ج ۱، انتشارات تندر، ص ۲۹۹ و بزرگ علوی، همان ص ۱۳۸.
- ۵ - لیلیان فورست: رمانتیسیم، ترجمه مسعود جعفری، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۱۵.

۶ - این خصلت از شیوه نویسنده‌گی علی محمد افغانی، از همان روزهای آغازین چاپ شوهر آهوخانم، در نشریات و مجلات، مورد انتقاد نقّادان قرار گرفته است که همگی این شیوه را از ضعفهای نویسنده شمرده اند. به یقین خود نویسنده، این نقدها را خوانده و احیاناً بر ضعفهای خود واقف شده است؛ ولی گویا نویسنده علی رغم انتقادات، این مسأله را برای خود ضعف نمی داند و از شیوه های مخصوص خویش می پندارد. حتی در رمان شلغم میوه بهشته که از نظر زمانی نسبت به رمان شوهر آهوخانم از آثار متأخر او بشمار می رود، رگه هایی از این قبیل به چشم می خورد: مشهدی محرم به زنش می گوید: «اینطور که می بینم تو از دکتر ساخت هم برتری» (شلغم میوه بهشته، ص ۱۲۳) وقتی خواننده با سواد دکتر ساخت را نمی شناسد؛ مشهدی محرم چگونه او را می شناسد؟! همچنین در صفحات ۸۸ و ۹۲ همان کتاب چنین مواردی ذکر شده است.

۷ - رجوع کنید به افغانی، علی محمد: شوهر آهوخانم، صص ۳۷۵، ۳۶۴

۸ - همان صص ۴۶۳، ۴۷۰

۹ - همان، ص ۶۱۵

۱۰ - همان

۱۱ - همان، صص ۷۰۴، ۷۰۵

۱۲ - همان، ص ۳۷۳

۱۳ - همان، ص ۶۹

۱۴ - پرهام، سیروس: رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، انتشارات نیل، چاپ سوم

۱۳۴۵، ص ۱۰۴

۱۵ - افغانی، علی محمد، همان، ص ۱۶۳

۱۶ - همان، ص ۴۰۳ همچنین رجوع کنید به صفحات، ۳۷۴، ۴۶۸، ۵۵۰

- ۱۷ - پرهام، سیروس : همان، ص ۲۹
- ۱۸ - علاوه بر این اثر، در دیگر آثار خود نیز به این مسأله بیشتر پرداخته است؛ از جمله شلغم میوه بهشته، صص ۹ و ۱۰
- ۱۹ - رجوع کنید به علی محمد، افغانی: همان ص ۵۶۴
- ۲۰ - رجوع کنید به همان مأخذ، صص ۵۰، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۱۱، ۴۸۵، ۶۰۲
- ۲۱ - همان، صص ۲۸، ۱۹۹-۱۰۵، ۳۱۵، ۵۴۲، ۷۴۷
- ۲۲ - همان، ص ۱۰
- ۲۳ - لیلیان پرست و پیتراسکرین: ناتورالیسم، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۱۴
- ۲۴ - افغانی، علی محمد: همان، صص ۱۶۱، ۶۶۴، ۶۶۵
- ۲۵ - همان، ص ۴۰۰
- ۲۶ - همان
- ۲۷ - همان، ص ۶۶۳
- ۲۸ - همان، ص ۵۴۳
- ۲۹ - در این باره رجوع کنید به چارلز چدویک: سمبولیسم، ترجمه مهدی سجادی، چاپ اول ۱۳۷۵
- ۳۰ - افغانی، علی محمد: همان، صص ۱۶۷، ۱۶۸
- ۳۱ - همان، ص ۲۵۱
- ۳۲ - همان، صص ۶۳۱، ۶۳۲
- ۳۳ - همان، ص ۴۶۸
- ۳۴ - همان، صص ۲۱، ۸۰، ۱۵۱، ۲۵۲، ۴۹۷، ۶۳۵
- ۳۵ - همان، ص ۲۷۴

۳۶- پرهام، سیروس: راهنمای کتاب، شماره دهم، ص ۹۷۰

۳۷- در باره شیوه نویسندهگی بالزاک رجوع کنید به پرهام، سیروس: رئالیسم و ضد

رئالیسم در ادبیات، همان، صص ۵۸-۷۱

منابع و مأخذ

- ۱- افغانی، علی محمد. (۱۳۷۴). **شوهر آهو خانم**. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات نگاه.
- ۲- افغانی، علی محمد. (۱۳۵۵). **شلغم میوه بهشته**. تهران: امیرکبیر.
- ۳- افغانی، علی محمد. (نوروز ۱۳۶۹). **آدینه**. شماره های ۴۴، ۴۳.
- ۴- بزرگ علوی. **مجله کاوه**. شماره های ۸ و ۹.
- ۵- پرهام، سیروس. **راهنمای کتاب**. شماره دهم.
- ۶- پرهام، سیروس. (۱۳۴۵). **رنالیسم و ضد رنالیسم در ادبیات**. چاپ سوم. تهران: انتشارات نیل.
- ۷- جعفری، مسعود. (۱۳۷۸). **سیر رمانتیسم در اروپا**. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- ۸- چارلز چدویک. (۱۳۷۵). **سمبولیسم**. ترجمه مهدی سجادی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- ۹- چهل تن، فریاد. (۱۳۷۳). **مانیز مردمی هستیم**. چاپ دوم. تهران: نشر پارسی.
- ۱۰- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۱). **گرایشهای متضاد در ادبیات معاصر ایران**. چاپ اول. تهران: نشر خنیا.
- ۱۱- دنیای سخن (مجله). شماره ۲۵ اسفند ۱۳۶۷.
- ۱۲- سخن (مجله) سال دوازدهم، شماره ۸ آذر ۱۳۴۰.
- ۱۳- سید حسینی، رضا. (۱۳۵۸). **مکتبهای ادبی**. چاپ هفتم. تهران: انتشارات کتاب زمان.

۱۴- عابدینی، حسن. **صدسال داستان نویسی در ایران**. ج ۱. تهران: انتشارات تندر.

۱۵- کازرونی، جعفر. (۱۳۷۳). **نقد شوهر آهو خانم**. چاپ اول. تهران: نشر سهیل.

۱۶- لیلیان فرست و پیترا سکرین. (۱۳۷۵). **ناتورالیسم**. ترجمه حسن افشار. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

۱۷- لیلیان فورست. (۱۳۷۵). **رمانتیسیم**. ترجمه مسعود جعفری. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

۱۸- یغما (مجله) سال چهاردهم. دی ماه ۱۳۴۰. شماره دهم.